

خبر



چین سن بازنشستگی را تغییر داد

کنگره ملی خلق چین، به‌منظور افزایش سن بازنشستگی این کشور، برای اولین بار از دهه ۱۹۵۰ تصمیمی اتخاذ کرد. چین اعلام کرد این تغییر تدریجی خواهد بود و سن بازنشستگی مردان از ۶۰ به ۶۳ سال در یک دوره ۱۵ ساله از سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت. زنان در مشاغل یقه آبی به جای ۵۰ سال فعلی در ۵۵ سالگی بازنشسته خواهند شد، در حالی که سن بازنشستگی زنان در مشاغل یقه سفید از ۵۵ سال به ۵۸ سال افزایش می‌یابد. نمایندگان مجلس همچنین تغییراتی را در حداقل سنوات حق بیمه برای دریافت مستمری تصویب کردند که با افزایش شش‌ماهه در هر سال از ۱۵ به ۲۰ خواهد رسید. اکونومیست در این زمینه نوشت: «افراد نمی‌توانند قبل از رسیدن به شرط سنی، بیش از سه سال پس از حداقل ۲۰ سال حق بیمه، به‌طور داوطلبانه بازنشسته شوند. همچنین آن‌ها مجاز خواهند بود تا سه سال پس از حداقل شرط سنی با توافق با کارفرمای خود بازنشسته شوند.»

کاهش ورود پناهیویان به اتحادیه اروپا

طبق آمار رسمی، شمار پناهیویان در اتحادیه اروپا در هشت ماه نخست سال جاری کاهش چشمگیری در مقایسه با سال ۲۰۲۳ داشته است. گفته شده عبور غیرقانونی از مرزهای جنوبی اروپا نسبت به سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۳۹ درصد کاهش یافته است. موضوع مهاجرت غیرقانونی به آلمان و اتحادیه اروپا، از زمان حمله مرگبار تروریستی در شهر زولینگن آلمان، در اولویت مسائل سیاسی قرار گرفته است. بر همین اساس، اخیراً تدابیر ویژه‌ای به‌منظور محدود کردن میزان پناهیویان در آلمان و کشورهای عضو اتحادیه اروپا اتخاذ شده است.

طبق آمار رسمی منتشر شده، شمار موارد ورود غیرقانونی پناهیویان به اتحادیه اروپا از ماه ژانویه تا ماه اوت سال جاری میلادی روی‌هم‌رفته به میزان چشمگیری کم شده است. در عین حال آمار پناهندگان در یونان و جزایر قناری در این مدت زمان، افزایش یافته است.

بر اساس آمار سازمان جهانی مهاجرت (IOM)، میزان مهاجرت غیرقانونی از طریق مرزهای جنوبی اتحادیه اروپا در طول هشت ماه نخست سال ۲۰۲۴ به مقدار ۳۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.

آمار مذکور حاکی است که از ماه اوت سال جاری میلادی نزدیک به ۱۱۵ هزار پناهنجو به‌طور غیرقانونی از طریق مسیرهای دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس به اتحادیه اروپا آمده‌اند. این آمار نمایانگر کاهش ۳۹ درصدی در مقایسه با مدت‌زمان مشابه در سال گذشته است.

در دوره زمانی مشابه در سال ۲۰۲۳، ورودپناهنجوبه اتحادیه اروپا ۱۷۶ هزار و ۲۵۲ مورد ثبت شده است. در مقایسه با این ارقام، در سال ۲۰۱۵ بیش از یک میلیون مرد، زن و کودک به اتحادیه اروپا گریختند. فلاویو دی جیاکومو، سخنگوی سازمان جهانی مهاجرت در این زمینه توضیح می‌دهد: «این آمار نشان‌دهنده یک وضعیت اضطراری در سال جاری نیست و در سال گذشته هم نبوده است.»

گفته شده در هشت ماه اول سال ۲۰۲۴ میزان ورود پناهیویان به ایتالیا ۶۴ درصد در مقایسه با سال پیشین، کاهش یافته است. به عقیده کارشناسان، این روند به‌ویژه به‌خاطر جلوگیری از عبور قایق‌ها در دریای مدیترانه توسط تونس و لیبی بوده است. در همین حال بر مبنای اطلاعات سازمان ملل متحد، شمار پناهنجویانی که از طریق دریا و مسیرهای زمینی وارد یونان شده‌اند در هشت ماه اول سال ۲۰۲۴، به میزان ۵۷ درصد افزایش یافته است. همچنین میزان مهاجرت غیرقانونی از غرب آفریقا به سمت جزایر قناری در اقیانوس اطلس بیش از دو برابر شده است. ۲۵ هزار و ۵۰۰ نفر که عمدتاً اتباع مالی، سنگال و دیگر کشورهای غرب آفریقا هستند بین ماه‌های ژانویه تا اوت وارد این جزایر اسپانیایی شده‌اند. طبق گزارش گروه حقوق بشری «Moving Borders» تاکنون بیش از چهار هزار نفر بر اثر واژگونی قایق‌هایشان در اقیانوس اطلس، کشته یا مفقود شده‌اند. در همین زمینه، به استناد سازمان جهانی مهاجرت، از سال ۲۰۱۴ تاکنون بیش از ۳۰ هزار نفر در مسیرهای خطرناک دریای مدیترانه به سمت اتحادیه اروپا، کشته و مفقود شده‌اند. در سال جاری میلادی نیز بیش از ۱۴۰۰ مورد رسمی در این حوزه گزارش منتشر شده است. احتمال می‌رود شمار واقعی افراد مفقود و کشته شده خیلی بیشتر از این مقدار باشد.

حمیدرضا علی‌نیا

مترجم

گزارش

وقتی استر دوفلو، برنده جایزه نوبل اقتصاد، در سخنرانی خود در ۱۸ مارس ۲۰۲۴ در دانشگاه «لیژ» بلژیک، جایی که نشان دکتر افتخاری «کائوزا» به او اعطا شد، گفت: «ما مسئول تغییرات آب‌وهوایی هستیم که هزینه‌های مرگ و میر بر کشورهای فقیر را تحمیل می‌کند. من این هزینه‌ها را سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنم»، آیا این اقتصاددان فرانسوی-آمریکایی در بیان این رقم به صندوق ضرر و زیان، که سال گذشته در اجلاس (COP28) در دبی تصویب شد، اشاره داشت؟ یا منظور او به‌طور کلی‌تر «بدهی آب‌وهوا» یا مفهوم گسترده‌تر «بدهی زیست‌محیطی» است که کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر بدهکار هستند؟

از دهه ۱۹۸۰، ایده بدهی‌های زیست‌محیطی به‌تدریج در محافل فعال و همچنین رویکردهای علمی آغاز شد که بر بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی (آب، خاک، جنگل‌ها و غیره)، تخریب محیط‌زیست و اشکال مختلف آلودگی تأکید داشت. در نسخه‌های طبیعت‌گرایانه‌تر چنین روایتی، گفته می‌شود که این بدهی به خود اکوسیستم‌ها، موجودات زنده یا خود سیاره است و در نسخه‌های سیاسی‌تر آن، «بدهی زیست‌محیطی» به‌عنوان بدهی به کشورهای جنوب جهانی، به جمعیت فقیر و نسل‌های آینده در نظر گرفته می‌شود.

وضعیت جنوب جهان با این واقعیت بدتر می‌شود؛ چراکه آن‌ها در واقع اولین کسانی هستند که در زندگی روزمره خود بیشترین تأثیرات فاجعه‌بار بحران‌های اکولوژیکی و اقلیمی ناشی از زیاده‌روی‌های تولیدی و مصرف‌گرایانه ثروتمندترین جمعیت‌ها را متحمل می‌شوند. به بیان دیگر، روش‌های تولید و سطوح مصرفی که توسط اقلیتی از جمعیت جهان از آغاز توسعه صنعتی تا به امروز انجام می‌شود، نه پایدار است و نه قابل تعمیم (با توجه به تأثیر مخرب زیست‌محیطی آن‌ها). این مسئله موجب می‌شود که اقلیت بهره‌مند در اروپا و آمریکای شمالی مدیون اکثریتی در جنوب جهان باشند که به این امتیازات دسترسی نداشته و نخواهند داشت.

اما دلیل چنین بدهی‌ای چیست و چه پایه‌ای می‌توان برای آن در نظر گرفت. مهم‌ترین دلیل، نابرابری دسترسی به منابع کمیاب است که مدت‌ها قبل از گسترش آگاهی از محدود بودن این منابع، پایان ناپذیر تلقی می‌شد. این منابع مدت‌هاست که از کشورهای جنوب جهان برای تقویت رشد اقتصادی و رفاه مادی در کشورهای شمال جهان استخراج شده و انحصار منابع طبیعی توسط عده‌ای مانع بهره‌مندی دیگران از آن‌ها شده است. دوم آسیب زیست‌محیطی بسیار بیشتری است که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این منابع کم‌باز در مقایسه با تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن در مقیاس کوچک ایجاد می‌کنند. اثرات نامطلوب این آسیب‌ها در مقیاس کوچک و کشورهای فقیرتر بسیار بیشتر از اثر روی

مصرف‌کنندگان در مقیاس بزرگ و کشورهای ثروتمند است. ایده بدهی‌های زیست‌محیطی که از کشورهای ثروتمند خواسته می‌شود به کشورهای فقیر در این زمینه بازپرداخت غرامت کنند، پاسخی به ناعادلانه بودن این پارادوکس است. پرداخت چنین غرامتی راهی برای بیان عدالت زیست‌محیطی» خواهد بود. عدالت زیست‌محیطی به معنای تلاش برای جبران نابرابری‌ها در توسعه، کمک به آسیب‌پذیرترین افراد برای سازگاری با اختلالات اکولوژیکی و اقلیمی و حتی ترمیم آسیب‌هایی است که قبلاً ایجاد شده است. اما اینکه بگوییم جامعه بین‌المللی و کشورهای ثروتمند این را اولویتی متناسب با مشروعیت و فوریت آن قرار داده‌اند، دروغ است.

تلاش برای پرداخت غرامت

پذیرش اصل مسئولیت‌های مشترک (CBDR) در اجلاس سران زمین (Earth Summit) در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیروی برزیل، حداقل به‌طور ضمنی مفهوم غرامت را برای مسئولان اصلی به رسمیت شناخت. در حالی که این پیشنهاد قبلاً در کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۶۰، در کنفرانس ۱۹۷۲ در مورد محیط‌زیست انسانی در استکهلم مورد بحث قرار گرفته بود، سرانجام تا کنفرانس سازمان ملل متحد در ۱۹۹۲ به لطف حمایت مستمر کشورهای در حال توسعه، به بخشی از قوانین جدید بین‌المللی محیط‌زیست تبدیل شد. این پیشنهاد قابل توجه و حتی انقلابی بود. طبق اصل هفت گزارش کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه، دولت‌ها باید با روحیه مشارکت جهانی برای حفظ، حفاظت و بازپایی سلامت و یکپارچگی اکوسیستم زمین همکاری کنند. با توجه به سهم متفاوت در تخریب محیط‌زیست جهانی، دولت‌ها دارای مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت هستند. کشورهای توسعه‌یافته با توجه به فشارهایی که جوامع آن‌ها بر محیط‌زیست جهانی و فناوری‌ها و منابع مالی تحت کنترل خود وارد می‌کنند، مسئولیت بیشتری در پیگیری بین‌المللی توسعه پایدار بر عهده دارند.

البته با توجه به نسبی‌سازی شدید مشکل محیط‌زیست، یعنی انکار منشأ انسانی آن و کم‌رنگ شدن مسئولیت



انسان این ایده‌ها فراموش شد. با این حال، بیش از سه دهه پیش، جامعه بین‌الملل این ایده را به ایده مسئولیت مشترک برای تخریب محیط‌زیست جهانی اضافه کرد که بخشی از بشریت مسئولیت بیشتری دارد. بنابراین باید در برابر بقیه به دلیل سطح بالای توسعه خود و مصرف‌گرایی ویرانگرش پاسخگو باشد؛ ایده‌ای قدرتمند که همچنان وزنه‌ای قوی در برابر لفاظی‌های پوپولیستی و انکارگرایانه محسوب می‌شود.

به بیان دیگر، بدهی‌های زیست‌محیطی که کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر دارند و از روزهای اولیه انقلاب صنعتی انباشته شده، باید به فوریت اجرا شود؛ آن‌قدر فوری که باید چندین دهه پیش اجرا می‌شد. در حالی که در طول چندین اجلاس و کنفرانس، اصل «مسئولیت‌های مشترک اما متمایز» با تفسیر حقوقی متعدد آن، مراحل مختلفی از دقت، تنوع، عطف و دقیق‌سازی را طی کرده است اما همواره یک‌چیز ثابت مانده و آن اینکه هیچ کدام از اقدامات به پرداخت غرامت منجر نشده است. صندوق‌های سبز، اینچا و آنچا ایجاد شده‌اند اما به‌طور سیستماتیک، هم از نظر اهداف کمی و هم پرداخت‌هایی که واقعاً انجام می‌دهند، در مقایسه با آنچه که باید باشد، بسیار کم است. به گفته تحلیل‌گران صندوق بین‌المللی پول، بدهی آب‌وهوایی کشورهای پیشرفته بر اساس انتشار گازهای گلخانه‌ای واقعی و پیش‌بینی شده آن‌ها برای دوره ۱۹۵۹ تا ۲۰۳۵، به بیش از ۱۰۰ تریلیون دلار می‌رسد، در حالی که تأمین مالی برنامه‌های فعلی اقلیمی هنوز به هدف ۱۰۰ میلیارد دلاری خود در سال نرسیده است.

تعهدات دولتی

دولت‌ها کم‌وبیش تعهدات خود نسبت به الزامات زیست‌محیطی را انجام می‌دهند یا تلاش‌های خود را به نفع سایر اولویت‌ها کاهش می‌دهند. برخی از دولت‌ها به‌طور کامل عقب‌نشینی می‌کنند، مانند ایالات متحده در دوره ترامپ که در سال ۲۰۱۷ توافق نامه آب‌وهوای پاریس را نادیده گرفت و در صورت پیروزی دوباره راست افراطی برای دومین بار می‌تواند این کار را انجام دهد.

از سوی دیگر، کشورهای نوظهوری مانند چین، هند و

برزیل بر این باورند که باید به اندازه مسئولیت فعلی خود در

آیا کشورهای ثروتمند غرامت زیست‌محیطی را خواهند پرداخت؟

قیال آسیب‌های زیست‌محیطی در «بار» غرامت آن سهیم باشند و بدین ترتیب خود را از هر دو گروه کشورهای کمتر توسعه‌یافته که تأثیر آن‌ها بر تغییرات زیست‌محیطی ناچیز باقی مانده است و کشورهای صنعتی قدیمی که هنوز به‌طور نسبی مسئول بیشتر آلودگی کره زمین هستند، جدا می‌کنند.

در حالی که در ادعای قدرت‌های نوظهوری مثل چین، هند و برزیل تردید وجود دارد، پادشاهی‌های نفتی خلیج فارس نیز موقعیت‌بهتری دارند، زیرا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس کشورهای غربی را از نظر انتشار سرانه (CO2) پشت سر گذاشته‌اند.

بدهی‌های انباشته‌شده

علاوه بر کندی -یا بهتر است بگوییم بی‌میلی- کشورهای ثروتمند به پرداخت بدهی‌های زیست‌محیطی خود، بسیاری از منتقدان در جنوب جهان شاهد هستند که بخش قابل‌توجهی از سیاست‌های سبز که توسط بازیگران دولتی و خصوصی از شمال جهان در کشورهای فقیر دنبال می‌شود، شکاف زیست‌محیطی را در میان این کشورها بیشتر می‌کند. در واقع این انتقادها نسبت به راه‌حل‌های نادرست سرمایه‌داری سبز و رشد اقتصادی سبز است که مبتنی بر استعمار بوم‌شناسی توسط منطق انباشت نظم اقتصادی لیبرال اداره می‌شود. همان‌طور که می‌بینیم، بدهی زیست‌محیطی تا بازپرداخت فاصله زیادی دارد.

لیست انتقادات به سیاست‌های به اصطلاح سبز زیاد است مانند سیاست‌های حفاظتی مانند مناطق حفاظت‌شده که به روی جمعیت محلی بسته است اما برای توریست‌ها باز است، سیاست‌های جبران خسارت، استخراج (مانند کاشت جنگل‌های جعلی در ازای حق ایجاد آلودگی و غیره)، سیاست‌های سلب مالکیت، خصوصی‌سازی، مالی‌سازی موجودات زنده و ارزش‌گذاری سرمایه طبیعی (نسبت دادن بهای حفاظت به عملکردهای مختلف اکوسیستم به‌منظور کسب سود از آن‌ها)، که از نظر اجتماعی و زیست‌محیطی مضر هستند و به بدهی‌های زیست‌محیطی می‌افزایند.

انجام چنین محاسباتی به‌طور فزاینده‌ای دشوار و به ناچار منجر به بحث و جدل بی‌پایان خواهد شد. این به نوبه خود منتهی به وضعیت موجود، یعنی تصمیمات به تعویق افتاده، فرار و عقب‌نشینی می‌شود. دوفلو، برنده جایزه نوبل اقتصاد می‌گوید: «اکنون در هر کنفرانس جدید آب‌وهوایی، کشورهای توسعه‌یافته قول می‌دهند که بودجه‌ای بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار به کشورهای فقیر اختصاص دهند. آنچه شخص است اینکه صد میلیارد دلار برای ضرری که به این کشورها وارد شده کافی نیست؛ علاوه بر این، پول اصلاً پرداخت نمی‌شود.» او محاسبه کرده است که بدون در نظر گرفتن انتشار دی اکسید کربن گذشته، ارزش جان انسان‌هایی که ما با انتشار کربن در جو از بین می‌بریم، اروپا و ایالات متحده را مسئول ۵۰۰ میلیارد دلار ضرر سالانه در کشورهای فقیر می‌کند. اکنون بدهی زیست‌محیطی بدون پرداخت غرامت در حال انباشت شدن است و پرداخت این بدهی اکولوژیکی و اخلاقی به همان اندازه که عظیم است ضرورت دارد.

منبع: **ایکوال تایمز**

شرکت‌های انرژی بریتانیا به نروژ کوچ می‌کنند

خبر

افزایش مالیات بر سود تولیدکنندگان نفت و گاز در یای شمال بریتانیا از ۴۰ درصد به حدود ۷۸ درصد در سه سال گذشته، چندین شرکت انرژی را به فکر خروج از بریتانیا انداخته است. سریکا انرژی، شرکت تولیدکننده نفت و گاز در دریای شمال، در حال بررسی احتمال سرمایه‌گذاری و استقرار در کشور دیگری مانند نروژ است.

این انتقال می‌تواند ضربه قابل توجهی به بخش انرژی بریتانیا وارد کند که احتمال آن پس از افزایش شدید مالیات‌ها بیشتر شده است. سریکا انرژی در حال حاضر حدود ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز تولید می‌کند و تقریباً پنج درصد از تأمین گاز بریتانیا را بر عهده دارد. افزایش مالیات شرکت‌های انرژی باعث شده است که این شرکت‌ها تمایل کمتری برای سرمایه‌گذاری در بریتانیا داشته باشند یا به دنبال فرصت‌های بهتر در کشورهای دیگر باشند.

پس از آنکه ریچل ریوز، وزیر دارایی بریتانیا از احتمال افزایش مالیات‌ها در بودجه آینده خبر داد، شرکت‌های انرژی شروع به بررسی گزینه‌های دیگر خود برای ادامه فعالیت‌هایشان در خارج از این کشور کردند. برای شرکت‌هایی مانند سریکا انرژی که پس از خریداری میادین نفت و گاز قدیمی در دریای شمال، آن‌ها را بهبود می‌بخشد تا دوباره به درآمدزایی برنند، نروژ یک جایگزین خوب برای بریتانیا تلقی می‌شود.

نروژ با داشتن منابع غنی نفت و گاز در دریای شمال، زیرساخت‌های قوی و یک رژیم مالیاتی نسبتاً پایدار و جذاب برای شرکت‌های انرژی، مقصدی مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های جدید در این صنعت است. سریکا انرژی اعلام کرده که علاوه بر نروژ، در حال بررسی سایر کشورهای اطراف دریای شمال به‌عنوان گزینه‌های احتمالی برای جابه‌جایی و انتقال فعالیت‌های خود است. دیوید لاتین، رئیس شرکت سریکا انرژی در گفت‌وگو با روزنامه تلگراف، نسبت به پیامدهای فعالیت شرکت‌های مستقر در بریتانیا با توجه به افزایش مالیات‌ها ابراز نگرانی کرد.

بنا به گفته دیوید لاتین، شرکت‌های بزرگ نفت و گاز که در خارج از بریتانیا فعالیت می‌کنند، کمتر تحت تأثیر تغییرات سیاسی و اقتصادی داخلی این کشور قرار می‌گیرند اما شرکت‌های کوچک‌تری که در بریتانیا مستقر هستند به شدت از این تغییرات متأثر می‌شوند.

بریتانیا به‌شدت به واردات انرژی وابسته است. بنا به گزارش سالانه اداره انرژی و تغییرات آب‌وهوایی بریتانیا، وابستگی این کشور به واردات انرژی در سال ۲۰۲۳ به ۴۰.۸ درصد رسید که این رقم در سال ۲۰۲۲ میلادی ۳۷ درصد بود.

منبع: **تلگراف**

آمونیاک، سوخت آینده برای کاهش آلاینده‌های کربنی

خبر

آمونیاک یکی از سوخت‌هایی است که صنایعی نظیر کشتیرانی و تولید برق می‌توانند برای کاهش آلاینده‌ها بر آن تکیه کنند؛ سوختی که به‌آسانی قابل ذخیره و جابه‌جایی است.

حدود سه درصد از آلاینده‌های گازکربنیک، حاصل صنعت کشتیرانی است. در گزارش اژانس بین‌المللی انرژی آمده است که برای به صفر رساندن آلاینده‌ها تا سال ۲۰۵۰ باید ۳۰ درصد از سوخت صنعت کشتیرانی را سوخت‌های هیدروژنی نظیر آمونیاک تشکیل دهد. به این دلیل که ذخیره کردن آمونیاک آسان‌تر و حمل‌ونقل آن کم‌خطرتر از هیدروژن است. دو شرکت ژاپنی «ان‌وای، کی» و «آی،اچ،آی پاور سیستم» در حال ساخت نخستین یدک‌کشی هستند که با سوخت آمونیاک کار می‌کند. سوتومو یوکویاما، مدیر ارشد شرکت ان‌وای، کی در این باره می‌گوید: «ما باید تا سال ۲۰۵۰ آلاینده‌ها را به صفر برسانیم و انتشار گازهای گلخانه‌ای را متوقف کنیم. استفاده از آمونیاک یکی از بهترین راه‌حل‌ها برای رسیدن به این هدف است؛ چرا که هیچ گاز گلخانه‌ای تولید نمی‌کند و دیگر آنکه در حمل‌ونقل آن تجربه داریم.» آمونیاک که ترکیبی از نیتروژن و هیدروژن است عمدتاً در تهیه کود شیمیایی و شوینده‌ها به کار می‌رود اما فرایند تولید آن آلودگی زیادی ایجاد می‌کند. پژوهشگران مؤسسه انرژی‌های تجدیدپذیر فوکوشیما در حال تولید آمونیاک سبز هستند. این مؤسسه قصد دارد یک کارخانه تولید سوخت سبز در فوکوشیما راه‌اندازی کند. موتوتا کاکي، مدیر شرکت انرژی‌های تجدیدپذیر جی، جی، سی توضیح می‌دهد: «آمونیاک را می‌توان در زمینه‌هایی نظیر تولید برق و کشتیرانی به کار برد و بازار تازه‌ای در حوزه انرژی ایجاد کرد و از انتشار آلاینده‌ها کاست. انتظار داریم که این کاهش حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد باشد چون آمونیاک در بخش تولید انرژی به کار خواهد رفت.»

بناست ۲۰ درصد از سوخت ژرا، بزرگ‌ترین ژنراتور نیروگاهی ژاپن که فعلاً با زغال سنگ کار می‌کند به‌شکل آزمایشی با آمونیاک تأمین شود تا بتوان آن سال ۲۰۵۰ این رقم را به صددرصد رساند. با اجرایی شدن این پروژه، نیروگاه هکینا می‌تواند برق یک شهر ۷ هزار نفری را تأمین کند. در ادامه لازم است زنجیره‌ای برای تأمین آمونیاک فراهم شود تا بتوان هم‌زمان از آمونیاک معمول در کنار آمونیاک آبی استفاده کرد. آمونیاک آبی ماده‌ای است که حین تولید آن گازکربنیک کمتری آزاد می‌شود.

آمونیاک قابلیت‌های فراوانی دارد و با وجود گرانی و دیگر چالش‌های استفاده از آن، انتظار می‌رود هزینه انرژی‌های تجدیدپذیر همچنان کمتر شود تا این کار، آمونیاک سبز را به سوختی پاک و قابل اعتماد برای آینده بدل کند.

منبع: **یومیوری**